

قاچاق و حاشیه‌نشینان شهری

اثرات امنیتی قاچاق کالا

در مناطق حاشیه‌ای

این قسمت

دکتر سیمین ارمان (عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد شهر ری)

چکیده

از آن‌جا که میزان پیشرفت و توسعه‌ی هر کشوری در سایه‌ی امنیت و ثبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حاصل می‌شود، از این رو شناخت تهدیدات و آسیب‌پذیری‌ها و بررسی روند و ابعاد مختلف آن، هم‌چنین چگونگی تحول و اولویت‌بندی آن‌ها در زمان حال و آینده، نه تنها راه را برای برنامه‌ریزی‌های ملی هموار می‌کند بلکه موجب می‌شود تا اقدامات راهبردی به موقع و تصمیم‌گیری‌های صحیحی قبل از به وقوع پیوستن هر گونه بحران، در پیش گرفته شود و تعامل و امنیت ملی و نیز ثبات جامعه تا حد امکان حفظ شود.

نظر به اهمیت مناطق حاشیه‌ای، هم‌چنین ضرورت مدیریت و کنترل مطلوب و نیز حفظ امنیت در این مناطق، با در نظر گرفتن چالش‌های فرا روی امنیت، که مهم‌ترین عامل کاهش بار امنیتی، ریشه در شکل دهی و تثبیت مناطق حاشیه‌ای دارد، از این رو تمهیدات لازم به منظور کنترل این مناطق و به دور نگه‌داشتن آن از تهدیدات بالقوه و بالفعل، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین این نوشتار بر آن است که راهبردها و راهکارهای تأمین امنیت مناطق حاشیه‌ای را با رویکرد اقتصادی و سیاسی و با برقراری تعامل با حاشیه‌نشینان، هم‌چنین حفظ و تقویت وفاداری آنان و نیز با دستیابی به راهکارهایی به منظور افزایش عوامل هم‌گرایی و کاهش واگرایی ارائه نماید.

واژه‌های کلیدی: امنیت، مناطق حاشیه‌ای، توسعه، عوامل هم‌گرایی



مقدمه

از مهم‌ترین مسائل جوامع امروز "حفظ امنیت عمومی، همگام با برنامه‌های توسعه" می‌باشد؛ زیرا افراد جوامع مختلف می‌کوشند ضمن برخورداری از یک زندگی سالم و مطبوع، از امنیت یعنی آنچه که باعث بهبود وضع زندگی آن‌ها می‌شود و آسایش و آرامش آن‌ها را تأمین می‌کند نیز، بهره‌مند شوند.

در عصری که افکار و روش‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خاصی بر هر یک از کشورهای جهان حاکم است و ملل جهان پیوسته در معرض تأثیر و نفوذ افکار دیگران قرار دارند، چنان‌چه برنامه‌های توسعه در راستای اولویت و اهداف اساسی افراد جامعه تدوین نشده باشد و مسئولان

مختلفی می‌توانند امنیت فرد در جامعه را در معرض تهدید قرار دهند. بدیهی است زندگی شهری از یک سو با گسترش دامنه‌ی آزادی‌ها، و از سوی دیگر گستره‌ی عوامل تجدید کننده و تهدیدکننده‌ی آن، مشخص می‌شود و به همین جهت باید امنیت را در تمامی ابعاد مورد توجه قرار داد (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۵۳).

تبعیض و نابرابری در بهره‌مندی از فرصت‌های اشتغال و درآمد، مهم‌ترین عاملی است که بیش‌تر مناطق حاشیه‌ای گرفتار آن هستند و پیامدهایی چون فقر، مهاجرت و قاچاق را در پی دارد. در این میان، بی‌توجهی مرکز نسبت به پیرامون، دامنه‌ی این مسائل را هر چه گسترده‌تر کرده است. این امر، ساکنان این مناطق را بر آن داشته تا شیوه‌های کسب و کار خود

سرمایه‌گذاری لازم و کافی در این راه نکرده باشند، طبیعی است که آن ملت، به خصوص در مناطق حاشیه‌ای به سرعت از ارزش‌ها و فرهنگ‌های ملی خویش فاصله می‌گیرد و از فرهنگ‌های کشورهای دیگر متأثر می‌شوند؛ به دیگر سخن، فرهنگ و هویت ملی خود را فراموش می‌کنند و به پیروزی آن، امنیت کشور نیز به خطر می‌افتد.

حیات شهری و مناطق حاشیه‌ای ذاتاً پیچیده و در فرایندی تهدید آور است و امنیت به طور ماهوی در معرض چالش قرار می‌گیرد. با این همه در این‌جا با رویکردی جامعه‌شناختی، بیش‌تر به فرایند عینی و ملموس در حیات شهری نظر داریم و امنیت را در ارتباط با فرایندهای مربوط مورد توجه قرار می‌دهیم. بنابراین، منابع



پیوند ناگسستنی دارد و مهم‌ترین نیاز هر جامعه، تأمین امنیت آن جامعه و افراد آن می‌باشد و دولت‌ها همواره در صدد استقرار امنیت داخلی برای حفظ نظام هستند؛ زیرا بدون وجود امنیت، هیچ برنامه‌ای قابل اجرا نیست و شکوفایی اقتصاد کشور سرمایه‌گذاری؛ طراحی برای توسعه؛ برنامه ریزی طرح‌های رفاهی و هر گونه فعالیتی که به زمینه آرام نیاز داشته باشد در گرو امنیت است (کاظمی، ۱۳۷۲، ص ۱۱۷).
عقب ماندگی و عقب افتادگی اقتصادی در واقع نوعی ناامنی است؛ زیرا موجودیتش بحران داخلی و ترغیب مداخلات خارجی است (مصلی، ۱۳۸۲، ص ۵۴).

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، بین توسعه‌یافتگی منطقه و امنیت، رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد و در بسیاری از موارد حتی امنیت زیر بنای توسعه‌ی ملی به شمار می‌رود. با این حال دولت‌ها، آگاهانه یا تحت تأثیر ذهنیت‌سازی‌های نیمه‌آکادمیک برای توجیه ناتوانی خود در سامان‌دهی و ایجاد و پی‌گیری توسعه‌ی متوازن و متعادل منطقه‌ای، محیط طبیعی را گناه کار می‌دانند.

توسعه و امنیت در حاشیه‌نشین‌های شهری
در این نگرش، عقیده‌ی غالب بر آن نیست که امنیت و توسعه بر یک دیگر مقدم‌اند، بلکه ارتباط هم‌عرض و هم‌سنگ توسعه و امنیت برای همدیگر حائز اهمیت است. اهمیت امنیت در کشورهایی که به این دیدگاه معتقدند، با اهمیت توسعه یکسان است. به عبارت دیگر، در این کشورها درک متقابلی از توسعه و امنیت

انحرافات اجتماعی است. درحاشیه‌بودن، منجر به گسیختگی از نظام ارزشی پیشین و احساس رهایی نسبی از یوغ کنترل اجتماعی شهری می‌شود و نوعی گسستگی و ناهم‌بستگی را به وجود می‌آورد که علاوه بر افزایش استعداد و قابلیت رشد آسیب‌های اجتماعی، سبب اختلال در نظم و امنیت عمومی می‌شود. قاچاق کالا و ارز یکی از مسائل و آسیب‌های اجتماعی وخیم و بحرانی در مناطق حاشیه‌نشین است

مفهوم امنیت

استقرار امنیت، برآیندی از کارکرد عناصر و متغیرهای مؤثر در حوزه‌های عمومی حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و ... است و تداوم کارکرد این عناصر، رمز بقا و ثبات امنیت عمومی را در پی دارد، و از سویی، اختلال و نابسامانی در کارکردها باعث ناامنی خواهد بود.

از دیدگاه فردی، امنیت را می‌توان در چند سطح تعریف نمود. گاهی امنیت را با ضد آن یعنی ناامنی، تعریف می‌کنند که شاخصه‌ی اصلی آن پیدایش اضطراب است. گاهی نیز آن را با خودش تعریف می‌کنند که در این صورت با آرامش و آسودگی معنا می‌شود. شاخصه‌ی چنین امنیتی، پیدایش شرایطی است که در آن شرایط، برای شاخص، اضطراب پدید نمی‌آید. در سطح بالاتر، امنیت در ارتباط با دیگر روابط و ساختارهای اجتماعی تعریف می‌شود و به بیان دیگر گسیخته‌نگری صورت نمی‌پذیرد. در این سطح امنیت، به "هنجار بودن روابط"، و ضد امنیت، به "ناهنجاری روابط" تعبیر می‌شود. (حافظ نیا، ۱۳۸۵، ص ۱)

در بالاترین سطح، امنیت به هنجاری بودن روابط تعریف می‌شود که در نظام الهی، هنجار به رضایت در دل‌بستگی به خواست خدای متعال است. (ایمانی، ۱۳۸۵، ص ۱۵)

"میسرا" معتقد است که امنیت یعنی آن مقدار ثباتی که آن کشور از آن برخوردار است. بنابر این، چهارچوب هر نوع مقوله‌ی با ارزش امنیت، باید چند بعدی بوده و بر اساس ملاحظات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، قومی، ایدئولوژیک و همچنین نظامی بنا نهاده شود (میسرا، ۱۳۶۷، ص ۳۴۵).

امنیت یکی از مهم‌ترین کنش‌ها و انگیزه‌های انسانی است که با جوهر انسان

را گسترده‌تر سازند و در برابر فشارهای رسمی، راه‌های جدید بیازمایند. بنابر این بین مناطق حاشیه‌نشین شهری و امنیت رابطه وجود دارد و در عین حال بین ناامنی و شهر نیز ارتباط وجود دارد. شهر، گاه تبدیل به آپاندیس آسیب‌های اجتماعی می‌شود، و مهاجران و حاشیه‌نشینان یکی از عوامل مؤثر این ناهنجاری و ناامنی هستند.

مفهوم حاشیه‌نشینی از دیدگاه امنیتی

در نگرش حقوقی و امنیتی، پدیده‌ی حاشیه‌نشینی یکی از پدیده‌های مستعد رشد ناهنجاری‌های اجتماعی است و به تعبیر کارشناسان خطری پنهان است که وجود دارد و پیوسته به شدت، امنیت شهرها و شهروندان را در مخاطره می‌اندازد، اما هیچ‌گونه ناامنی ذهنی ایجاد نمی‌کند. این پدیده، خطری بالفعل است که به آن خو کرده و با تهدیدات آن انس یافته‌ایم؛ چون تدریجی بوده و معلول توسعه‌یافتگی است. حاشیه‌نشینی از یک سو حاشیه‌ای امن برای مجرمان و بزه‌کاران است و از سوی دیگر حاشیه‌ای ناامن برای شهروندان به شمار می‌رود. در این میان قربانیان حقیقی انسان‌هایی هستند که برای ادامه‌ی حیات و بقای خود، از همه‌ی بضاعت خویش به هر بهایی بهره گرفته‌اند.

این سکونتگاه‌ها پذیرای ناهنجاری‌ها و برانگیزاننده‌ی آسیب‌های اجتماعی است که گاه در استدلالی وارونه، همان، علت پیدایش این سکونتگاه‌ها قلمداد می‌شوند. به این ترتیب پرداختن به مسئله‌ی اسکان غیررسمی نه تنها ضرورتی برآمده از ارزش‌های اعتقادی و انسانی بلکه سازگار با منافع اجتماعی و توسعه‌ی ملی است.

آسیب‌های اجتماعی و علل ناامنی در مناطق حاشیه‌ای

به رغم آسیب‌شناسان اجتماعی، همه‌ی صور و انواع نابهنجاری‌ها و گزندهای اجتماعی چون سرقت، قتل، قمار، قاچاق، خودکشی، فحشا، اعتیاد، الکلیسم، وندالیسم و نظایر آن، چه به مثابه انحراف و چه در زمره‌ی بیماری یا اختلال، معلول ناسازگاری‌های اجتماعی است که بر روابط فرد و جامعه حاکم است و در مناطق حاشیه‌نشین نمود بیش‌تری می‌یابد و امنیت منطقه را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد؛ از این رو، می‌توان گفت که حاشیه‌نشینی، نمودی از آسیب‌ها و



دیده می‌شود (عندلیب، ۱۳۷۹، ص ۱۳).

بر اساس دیدگاه‌های بالا، می‌توان گفت که امنیت و توسعه در مناطق حاشیه‌ای با ضریب بالا، دارای رابطه‌ای مستقیم و دو سویه با یک دیگر می‌باشند. به عبارت دیگر، توسعه و امنیت تأثیرات متقابلی در مناطق حاشیه‌ای دارند؛ به گونه‌ای که هر اقدامی در فرایند تحقق امنیت آن منطقه و به تبع آن امنیت ملی تأثیر دارد و برعکس. به این ترتیب، مناطق دارای شاخص‌های بالای توسعه، از ضرایب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه‌نیافته‌تر برخوردارند.

اغلب دیده شده که طرح‌ها و برنامه‌های توسعه و امنیت در مناطق حاشیه‌ای با مشکلات زیادی و از همه مهم‌تر با مقابله‌ی شدید مواجه شده‌اند. به عبارت دیگر، نیروهای در مناطق حاشیه‌ای فعال‌اند که تحت کنترل دولت در مرکز نیستند و در حقیقت فرایند توسعه و امنیت در این مناطق تحت تأثیر نیروهای ضد سیستم داخلی است. از موارد برجسته‌ی پدیده‌ی ضد سیستم عمل کردن در مناطق حاشیه‌ای، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- اقتصاد منفی: در این مناطق به جهت رواج قاچاق، درآمد حاصل از مشاغل مربوط، بیش‌تر از درآمد حاصل از فعالیت‌های قانونی و مجاز مانند کشاورزی، کارگری و خدماتی است. این پدیده، در مناطق حاشیه‌ای به تدریج گسترش می‌یابد و در نهایت هر گونه فعالیت مولد و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی را مورد تهدید قرار می‌دهد.

۲- امنیت از طریق تسلیح: نظر به حساس بودن مناطق حاشیه‌ای، امنیت در برخی مناطق به صورت نیروی انتظامی کنترل می‌شود که اغلب نتیجه‌ی عکس به بار می‌آورد.

۳- عدم وابستگی به زمین: ناپایداری جمعیت، یکی از شاخص‌های توسعه‌نیافتگی و ناامنی در مناطق حاشیه‌ای است. عدم وابستگی به زمین، سبب عدم وابستگی به سرزمین می‌شود.

۴- نظم و قانون: یکی از عوامل ناامنی برای زندگی و فعالیت‌های اقتصادی، گسترش بی‌نظمی و بی‌قانونی است. شرارت، سرقت، قاچاق کالا و... در مناطق حاشیه‌ای که دور از کنترل هستند، رواج بیش‌تری می‌یابد و در نتیجه امنیت لازم برای زندگی (امنیت جانی)، فعالیت اجتماعی (امنیت قضایی، اجتماعی، سیاسی و...)، فعالیت اقتصادی (امنیت اقتصادی و مالی) کاهش می‌یابد و روند امنیت این مناطق را مختل می‌سازد.

۵- نفوذ توسعه‌نیافتگی: طبق نظریه‌ی پخش، هم عوامل توسعه‌یافتگی و هم موانع توسعه‌نیافتگی، می‌توانند از طریق این مناطق نفوذ یابند.

با توجه به ویژگی‌های بالا، می‌توان گفت مناطق حاشیه‌ای به دلیل تماس با محیط‌های گوناگون داخلی و خارجی، از ویژگی‌های خاصی برخوردار هستند. آسیب‌پذیری و تهدیدات مختلف در این مناطق، در فرایند برنامه‌ریزی توسعه و امنیت و آمایش کشور اهمیت ویژه‌ای به آن داده است.

قاچاق کالا و چالش‌های امنیتی در مناطق حاشیه‌ای

تجارت غیر رسمی یا قاچاق، یکی از مشخص‌ترین آثار بیمارگونه‌ی فرهنگی اقتصادی در نواحی حاشیه‌ای است که به دلایلی چون: عدم بهره‌مندی از سرمایه و تخصص لازم برای جذب در سیستم اقتصادی اجتماعی و فرهنگی شهر، فقر، ناتوانی در معیشت فقر، ناتوانی در معیشت سالم، بوجود آمده و ناهمگونی بافت جمعیتی، سطح پایین سواد و اختلاط فرهنگی نیز مزید بر علت گردیده تا زمینه‌های این گونه از فعالیت‌های اقتصادی بیش‌تر فراهم گردد. اثرات منفی و ناخواسته‌ی این مبادلات بر پیکره‌ی امور اقتصادی - بازرگانی کشورها، هم‌چنین بازتاب مستقیم آن بر آشفستگی و ناامنی

مناطق حاشیه‌نشین بر کسی پوشیده نیست.

استمرار و گسترش بی‌کاری به لحاظ قاچاق، موجبات ناامنی را در بستر جامعه در تمامی سطوح فراهم می‌کند، اما اکثریت بی‌کاران برای بقای خود و نرسیدن به پرتگاه سقوط، به کارهای کاذب و غیر مولد روی آورده‌اند، از سویی افرادی که با کار شرافتمندانه، قادر به تأمین حداقل هزینه‌های زندگی نیستند، دو شغلی و چند شغلی را پیشه کرده و هدف اصلی زیستن را به بوته‌ی فراموشی سپرده‌اند.

قاچاق کالا یکی از چالش‌های بخش امنیتی است. از این‌رو شناسایی عوامل مؤثر بر آن، هم‌چنین سیاست‌گذاری و تحلیل عوامل تأثیرگذار در روند شکل‌گیری قاچاق، بسیار مهم است.

قاچاق کالا و امنیت اقتصادی در مناطق حاشیه‌ای

پدیده‌ی قاچاق یکی از موضوعات مهم و حساس از منظر اقتصادی، جرم‌شناسی و حقوق کیفری است. بنابراین به منظور مبادلات، معاملات، صادرات و واردات در هر کشور، قواعد و مقررات خاصی تدوین، اعمال و اجرا می‌گردد که بر اساس آن قواعد و مقررات حقوق دولت نیز ملحوظ و محفوظ خواهد گردید و اگر افرادی بخواهند خارج از چهارچوب این مقررات اقدام به صادرات یا واردات کالا نمایند اولاً موجبات ناامنی در ابعاد اقتصادی و صنعتی را فراهم خواهند نمود که به تبع آن‌ها امنیت اجتماعی نیز خدشه دار خواهد شد و ثانیاً با توجه به قواعد مدرن مستوجب کیفر ناشی از اعمال خود را ناشی می‌شوند.

قاچاق کالا یکی از چالش‌هایی است که امنیت اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده است. از آنجایی که امنیت اقتصادی حق سرمایه‌گذاران داخلی است، در نتیجه فرهنگ‌سازی در جهت اطلاع‌رسانی به بازرگانان و مصرف‌کنندگان در خصوص قوانین و مقررات و آثار زیان‌بار قاچاق کالا هم‌چنین تلاش در جهت رفع موانع و مشکلات فراروی رشد توسعه‌ی پایدار اقتصاد ملی و منطقه‌ای، از وظایف اخلاقی، اسلامی و ملی هر شهروند مسئولیت‌پذیر است. بنابراین امنیت به عنوان مهم‌ترین کالا و مهم‌ترین تقاضا می‌باشد؛ که طبعاً

اگر چه همه‌ی این تهدیدات به تمام ارکان کشور و آحاد مردم تحمیل می‌شود، اما مناطق حاشیه‌ای به دلیل فقر اقتصادی و فرهنگی، اختلاط بافت‌های قومی و جمعیتی ناهمگون و عواملی از این قبیل در معرض آسیب‌پذیری قرار داشته و این تهدیدات بیش‌تر بر آن‌ها سایه می‌افکند.

قاچاق کالا و امنیت اجتماعی در مناطق حاشیه‌ای

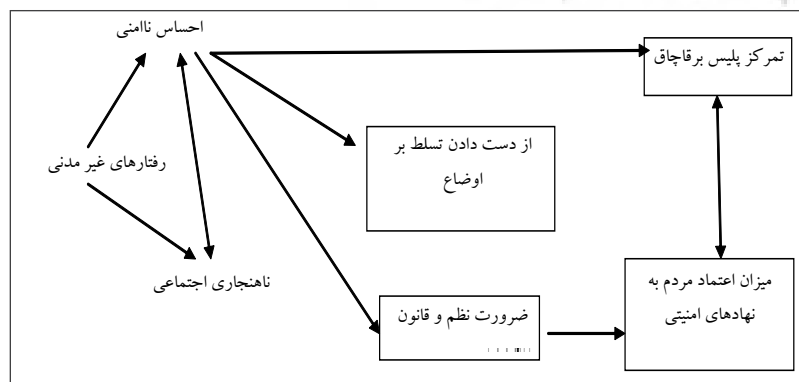
امنیت اجتماعی به عنوان یکی از مقدماتی‌ترین مفاهیم آرامش مطرح است و در مقابل آن ناامنی عاملی مزاحم علیه رشد اجتماعی است؛ خواه این ناامنی به صورت جرایم مانند قاچاق بروز کند یا به صورت شایعه، اخبار دروغ و جنگ روانی. فقر هم به عنوان یکی از آسیب‌های ناشی از قاچاق مطرح است. در واقع شالوده و محصولی چون فقر که زائیده‌ی معضلی چون قاچاق است، باعث انحراف سرمایه‌ها از مسیر اصلی و در نهایت کاهش تولید ملی، درآمد سرانه و گسترش رکود اقتصادی خواهد شد. از جمله عوامل منفی اختلال در امنیت اجتماعی کشور و حاشیه‌نشینان، که ریشه در عدم توجه به این مناطق دارد: وجود بحران‌های سیاسی و اقتصادی و امنیتی، وجود اختلافات و تنش‌های سیاسی و امنیتی، رخ دادن جنگ‌های داخلی و خارجی در کشورهای همسایه، عدم ثبات سیاسی در دولت‌های همسایه، موضوع قاچاق مواد مخدر، سوخت و کالا توسط سوداگران و سودجویان، هم‌چنین فقر و بی‌کاری و ضعف فرهنگی حاشیه‌نشینان است. امنیت به عنوان یک سرمایه‌ی اجتماعی زمانی حاصل می‌شود که



توسعه نیافتگی عامل اصلی ناامنی است؛ بر این اساس، برای تحقق امنیت در مناطق مرزی و حاشیه‌ای، ابتدا باید توسعه را به منطقه وارد کرد تا سپس نتایج توسعه در تحقق و استقرار امنیت کمک کند

بازار خود را از دست بدهد و تولیدکنندگان نیز ورشکسته شوند، هم‌چنین کارگران همین کارخانه‌ها را به بی‌کاری کشانده و در واقع امنیت اقتصادی کشور را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. نکته‌ی مهمتر از مراتب فوق، این است که چگونه امنیت اقتصادی و احساس امنیت اجتماعی از بین می‌رود؛ برای نمونه، قاچاق کالاهای غیر اخلاقی مثل قرص‌های روان‌گردان، مسأله‌ی امنیت اخلاقی را از بین می‌برد و

بابت تأمین آن می‌باید هزینه کرد. از این رو، بین هزینه‌های بیش‌تر و امنیت بیش‌تر رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد. به عبارت دیگر زندگی در مناطق حاشیه‌ای به علت ارزان بودن محیط جغرافیایی (قیمت زمین و ...) طبعاً ناامنی‌های متعددی وجود دارد مهم‌ترین چالش فراروی امنیت در مناطق حاشیه‌ای، نارضایتی از فعالیت‌های اقتصادی است. این عامل باعث افزایش بی‌کاری گردیده و در نتیجه موجب شده است تا تعداد زیادی از حاشیه‌نشینان به منظور امرار معاش به قاچاق کالا روی بیاورند. برخی از مناطق حاشیه‌نشین، از گذشته، انگیزه‌ساز بسیاری از حرکات غیر قانونی و مبادلات ناخواسته، جابه‌جایی و انتقال جمعیت به صورت کوچ‌های دسته جمعی به شهرهای بزرگ بوده است. اثرات منفی این مبادلات بر پیکر امور اقتصادی و بازرگانی کشور، همانا آشفتگی و ناامنی ساختاری و عدم ثبات جمعیت مناطق حاشیه‌ای خواهد بود. وجود چنین تفاوت‌ها و عدم تعادل‌های منطقه‌ای، تأثیرات عمده‌ای در روند توسعه، در مناطق حاشیه‌ای در بر دارد. اولین تهدید قاچاق کالا، موضوع عدم امنیت مردم مناطق حاشیه‌نشین است. تهدید بعدی در مناطق حاشیه‌ای، تهدید اقتصادی است که از طریق عدم پرداخت عوارض کالا وارد کشور می‌شود و ضمن این که باعث می‌شود کالاهای ساخت داخل،



منبع: روشه، ۱۳۸۰، ص ۱۰۳

الگوی نوع رابطه‌ی دولت و مناطق حاشیه‌ای، و تأثیر آن بر کارکردهای امنیتی

نوع رابطه	تأثیر بر کارکرد ارتباطی مناطق حاشیه‌ای	تأثیر بر کارکرد دفاعی - امنیتی
همکاری	مثبت (گسترش ارتباطات حاشیه‌نشینان و توسعه‌ی مناطق حاشیه‌ای)	مثبت (بهبود امنیت در مناطق حاشیه‌ای و گسترش همکاری‌های نظامی و امنیتی)
رقابت	تا حدی منفی (ارتباط متوسط تا ضعیف مناطق حاشیه‌ای و عدم توسعه‌ی مطلوب مناطق حاشیه‌ای)	تا حدی منفی (وضعیت نامطلوب امنیت در مناطق حاشیه‌ای)
تضاد	منفی (هیچ نوع ارتباطی وجود ندارد)	منفی (ناامنی وسیع در حاشیه‌نشینان شهری و از بین رفتن امنیت)

- کاهش قدرت دفاعی مناطق حاشیه‌نشین

- ضعف تولید اقتصادی و زیرساخت‌های آن.

- نبود استحکامات و تأسیسات دفاعی لازم.

- آثار و پیامدهای منفی مبادلات غیر قانونی چون قاچاق کالا عبارت‌اند از:

- رواج بزهکاری و اعمال غیر قانونی؛

- جدا افتادگی ذهنی و عینی از نظام مدیریتی کشور؛

- تضعیف امنیت ملی و تقویت امکان نفوذ از خارج؛

- تضعیف اقتصاد منطقه و تشدید عقب ماندگی؛

- متوقف کردن جریان فعالیت‌های توسعه‌ای در منطقه؛

- نابرابری منطقه‌ای.

بنابراین، نابرابری ناحیه‌ای می‌تواند به بی ثباتی سیاسی امنیتی انجامیده و بستری را برای تکوین نواحی بحرانی مهیا سازد که برای دولت‌ها ناخوشایند است (کریمی پور، ۱۳۸۱، ص ۲۰).

هم‌چنین فراهم نمودن زمینه‌های مناسب برای شکوفایی و توسعه‌ی صنایع دستی و محلی؛ کاهش حجم قاچاق کالا؛ اهداف امنیتی از جمله تأمین امنیت اقتصادی؛ ایجاد امنیت سیاسی؛ ایجاد امنیت اجتماعی و فرهنگی، به عنوان دلایل توجه به این مهم می‌باشد (وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۱، ص ۸).

توسعه نیافتگی عامل اصلی ناامنی است؛ بر این اساس، برای تحقق امنیت در مناطق مرزی و حاشیه‌ای، ابتدا باید

پیامدهای قاچاق کالا در برنامه‌ریزی امنیتی مناطق حاشیه‌ای

اولین تهدید قاچاق کالا، موضوع عدم امنیت مردم مناطق حاشیه‌نشین است که باید همواره در بین درگیری‌های نیروهای مبارزه با کالای قاچاق و قاچاقچیان باشند. مسأله‌ی بعدی تهدید اقتصادی است که از طریق عدم پرداخت عوارض کالا وارد کشور می‌شود و ضمن این که باعث می‌شود کالاهای ساخت داخل بازار خود را از دست بدهند، کارگران نیز ورشکسته می‌شوند. از نگاه سوم قاچاق کالاهای غیر اخلاقی چون مشروبات الکلی، لوازم آرایش و ... امنیت اخلاقی را نیز از بین می‌برد و همه‌ی این تهدیدات اگر چه به تمام ارکان جامعه آسیب می‌رساند، اما حاشیه‌نشینان بیش‌تر از همه در لبه‌ی تیغ قرار دارند (حاتمی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۲).

انجام مبادلات اقتصادی ناصحیح بدون انجام کنترل لازم و سرآزیر شدن اجناس قاچاق از خارج، موجب اختلال در برنامه‌ریزی توسعه‌ی شده و سبب ناپایداری جمعیت می‌گردد.

آثار و پیامدهای این ناپایداری عبارت‌اند از:

- عدم احساس تعلق به زمین؛

- ناپایداری اقتصاد منطقه و ضعف آن؛

- کاهش فعالیت ساخت و ساز روی زمین؛

آثار و پیامدهای ناشی از این ناپایداری شامل این موارد می‌باشد:

شهروندان بیش‌ترین مشارکت اجتماعی را داشته‌اند و مشارکت نیز زمانی حاصل می‌شود که ضریب اطمینان شهروندان افزایش یابد و امنیت به عنوان یک کالای عمومی مورد توجه جدی دولت و مردم قرار گیرد. عوامل ناامنی عبارت‌اند از:

عدم اعتماد به یک دیگر، هتک حرمت یک دیگر؛ عدم امنیت شغلی و مالی؛ عدم اعتماد به روند‌های آینده؛ عدم برنامه‌ریزی برای آینده؛ عدم ضمانت قوانین، بی‌کاری؛ فساد اداری؛ تجاوز به عنف و ناموس؛ عدم امنیت سرمایه؛ عدم آزادی بیان؛ اختلال آرامش خاطر و ... برای کاهش ناامنی شهری، راهکارهای زیر ضروری است:

ریشه‌یابی مسئله؛ مشارکت مردم در تصمیمات دولتی؛ تقویت پلیس؛ افزایش سطح رفاه عمومی؛ تجدید نظر در قانون اساسی؛ مبارزه با بی‌کاری؛ تقویت نیروی بسیج؛ کاهش جمعیت؛ استفاده از متخصصان؛ عدالت اجتماعی؛ ارتقای فرهنگ؛ تقویت دین و قانون.

با تأکید بیش‌تر بر جنبه‌ی اجتماعی مسئله‌ی امنیت، می‌توان گفت احساس ناامنی ناشی از نگرانی از امور واقعی، و ارتباط آن با کسانی است که در پی نقض قانون هستند. با جمع بندی رفتارهای نابه‌هنجار از جمله قاچاق که سبب سلب امنیت از مناطق حاشیه‌نشین می‌شود و از سوی دیگر واکنش به این نابه‌سامانی‌ها از سوی نهادهای رسمی اجتماعی، می‌توان نمودار زیر را نمایش داد.

مشکلات امنیتی مناطق حاشیه‌ای را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود

۱- حرکات قومیت‌گرایانه: با توجه به نزدیکی و اشتراکات قومی و دینی مردمان حاشیه‌نشین، تأثیر پذیری آن‌ها از هم‌دیگر غیر قابل انکار می‌باشد. مسلماً اگر حرکتی در راستای خلاف امنیت صورت پذیرد، همان حس نزدیکی، سبب هماهنگی افراد با یک‌دیگر و به خطر افتادن امنیت منطقه خواهد شد.

۲- ضعف بنیه‌ی اقتصادی: اقتصاد بیمار حاکم بر این مناطق، به علت ضعف برنامه‌ریزی و فقدان زیر ساخت‌های اقتصادی و صنعتی در منطقه سبب مهاجرت منفی بی‌رویه و قاچاق کالا می‌شود.

۳- ضعف فرهنگ سازی منسجم مرکز محور: منظور محدود بودن شبکه‌های تلویزیونی داخلی در برابر خیل عظیم رسانه‌های خارجی است.

بخش از قشرهای جامعه می‌شود و این امر گاه می‌تواند سبب ناامنی اقتصادی و اجتماعی شود، چرا که تداوم فقر و فلاکت بینوایان بدون واکنش سیاسی نخواهد بود و خشونت‌های جنایت‌آمیز را افزایش می‌دهد. مقوله‌ی قاچاق کالا صرفاً به حوزه‌ی کالاهای تجاری محدود نمی‌ماند و در درازمدت، برخورد اهمال‌کارانه با عوامل قاچاق کالا، این گروه را بر آن می‌دارد که به قاچاق فرآورده‌های ضدامنیتی نیز روی آورند. بنابراین گسترش قاچاق کالا زمینه‌هایی را برای قاچاق مواد افیونی و نیز قاچاق سلاح فراهم می‌سازد. فقدان نظارت و کنترل کافی بر نحوه‌ی ورود و خروج غیرمجاز کالا در کشور رفته‌رفته به هرج و مرجی ویرانگر در قاچاق محصولات ضدامنیتی خواهد انجامید که ارکان نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نیز آسایش عمومی و ثبات نظام سیاسی را با مشکلات فراوان مواجه خواهد ساخت.

راهکارهای پیشنهادی در جهت مصون نگه داشتن جامعه از تبعات امنیتی قاچاق در مناطق حاشیه‌ای:

حاشیه نشینی تنها با نوع و شیوه سکونت و مشخصات فیزیکی و کالبدی محلات خود شناخته نمی‌شود بلکه با نگاهی عمیق‌تر، جمعیت حاشیه نشین با خصیصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خاص و متمایز از قاطبه جامعه شهری متمایز می‌گردد. حاشیه نشینی بیش از آن‌که یک نوع شیوه اسکان باشد، نوعی شیوه زندگی است که هر ویژگی از آن بازتابی از شرایط و اوضاع اقتصادی و فرهنگی جامعه است. حاشیه نشینی نشانه‌ای از بیماری اقتصاد و ضعف برنامه‌ریزی است که از یک طرف خود معلول و زائیده شرایط و اوضاع و احوال نامطلوبی است که بر اقتصاد و نظام برنامه‌ریزی حاکم بوده و از طرف دیگر پدیدآورنده بسیاری از معضلات اقتصادی و اجتماعی و از آن جمله مشکلات امنیتی است که پیش‌تر به آن اشاره گردید. به این ترتیب است که هر گونه راهکار پیشنهادی در راستای مصونیت جامعه از آثار و پیامدهای امنیتی گسترش پدیده قاچاق در مناطق حاشیه‌ای باید در درجه اول متوجه حذف و یا دست کم تضعیف عواملی باشد که از اصل این نوع از شیوه



فقدان نظارت و کنترل کافی بر نحوه‌ی ورود و خروج غیرمجاز کالا در کشور رفته‌رفته به هرج و مرجی ویرانگر در قاچاق محصولات ضدامنیتی خواهد انجامید که ارکان نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نیز آسایش عمومی و ثبات نظام سیاسی را با مشکلات فراوان مواجه خواهد ساخت

و تعلق شهروندی پایینی برخوردارند و از خدمات ارائه شده در این محلات به هیچوجه راضی نیستند. با توجه به گسترش فقر و بی‌کاری، حاشیه‌نشینان بیش‌تر در معرض آسیب‌های اجتماعی‌اند. آنان مسائل و مشکلات زیادی دارند که لازم است مسئولان در رفع و حل این مشکلات اقدامات جدی نمایند و به خواسته‌ها و نیازهای ساکنان این مناطق، به عنوان شهروند توجه نمایند؛ زیرا، فقر فرهنگی و مشکلات مالی، عدم وجود امنیت ساکنان این مناطق و در حاشیه بودن آن‌ها از یک سو، و دیدن زندگی شهروندی که از امکانات زندگی امروزی بهره مند هستند از سوی دیگر، سبب ایجاد نارضایتی عمیق در بین این

توسعه را به منطقه وارد کرد تا سپس نتایج توسعه در تحقق و استقرار امنیت کمک کند (عندلیب، ۱۳۸۰، ص ۱۹۲). برای آن که ضریب امنیت را در مناطق حاشیه‌ای افزایش دهیم، باید یک سری فعالیت‌های آمایشی مربوط به توسعه‌ی سایر بخش‌ها را انجام دهیم. بنابراین باید در مناطق حاشیه‌ای ساختار فضایی سکونتگاه‌های آن را متحول کنیم و الگوی توزیع جمعیت و فعالیت‌ها را تغییر دهیم و با آمایش سرزمین، قابلیت‌ها و فرصت‌هایی جدید تعبیه نماییم، هم‌چنین با تجهیز حاشیه‌ها و ارتقای سطح معیشتی ساکنان، سبب توسعه گردیم (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱، ص ۵۶).

نتیجه‌گیری

پیامد گسترش شهرنشینی سریع در ایران، همانا پیدایش شهرهای بزرگ و ایجاد محله‌های حاشیه‌نشین با بافت نابه‌سامان و مسکن ناپه‌نچار است، حاشیه‌نشین‌هایی که معمولاً از مهاجران روستایی یا قشرهای کم‌درآمد شهری هستند، به دلیل نداشتن سرمایه و تخصص موفق به ورود به نظام رسمی اقتصاد و اجتماع شهری نگردیده و ناگزیر در حاشیه قرار گرفته‌اند. دست زدن به کار قاچاق و فعالیت‌های غیرقانونی دیگر از طرفی تلاشی است برای بقا و امرار معاش اضطراری و از سوی دیگر مقابله با نظام رسمی اقتصاد و معیشت و بر هم زدن امنیت و پایداری اقتصاد شهری. حاشیه‌نشینان از مشارکت اجتماعی

داشته و بسیاری از کیفیت و استانداردهای لازم برخوردار نیستند و چه بسا مصرف آن‌ها مخاطرات بهداشتی و جسمی نیز به دنبال داشته باشد. جامعه فقیر حاشیه‌نشین که معمولاً دچار فقر فرهنگی و سطح پایین آگاهی‌های اجتماعی است، بر خرید و مصرف این نوع کالاها اصرار دارد و به ضمانت‌های پس از خرید و عواقب بعدی مصرف آن‌ها نمی‌اندیشد و از این رهگذر ممکن است دچار مخاطرات جسمی و بهداشتی گردیده و مصرف‌کننده کالایی بی‌کیفیت و بی‌ضمانت باشد که در درازمدت جز زیان برای وی نخواهد داشت. به این جهت است که افزایش آگاهی‌های اجتماعی جامعه حاشیه‌نشین و متوجه ساختن آن‌ها به عواقب سوء مصرف کالای قاچاق گامی خواهد بود در پرهیز از تبعات امنیتی مصرف قاچاق و به خطر انداختن سلامت بهداشتی و هدرروی سرمایه‌های اجتماع.

در کنار این اقدامات بازدارنده و پیش‌گیرانه، نباید از اعمال روش‌های پلیسی و مقابله‌ای مستقیم نیز روی گردان بود. در این میان بررسی جامع ابعاد مختلف زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی هر قسم از فعل قاچاق به منظور علل‌یابی و بازخورد آن در امنیت اجتماع ضرورت دارد. بایستی از طریق افزایش نیروهای پلیس، امنیت را برای ساکنان محله ایجاد نمود به گونه‌ای که اهالی، نظارت کامل نیروهای پلیس را حس کنند تا از دست زدن به کارهای خلاف پرهیز نمایند. اهمیت مناطق حاشیه‌ای و ضرورت برقراری امنیت در آن‌ها، ایجاب می‌کند تا دولت سعی نماید حتی المقدور در مناطق حاشیه‌ای کشور تنش وجود نداشته باشد. تخصیص امکانات کنترلی بیش‌تر به پاسگاه‌ها و مناطق انتظامی از قبیل تجهیزات فنی و کنترلی، نیروی انسانی مجرب و کارآزموده، امکانات لجستیکی متناسب با مأموریت واگذار شده، تغییر نگرش مسئولان ناجا به مسائل حاشیه‌نشینان و ارتقای اولویت این بخش در مأموریت‌های ناجا، با توجه به اهمیت آن در ثبات و امنیت ملی، واگذاری به موقع اضافه‌کاری و فوق‌العاده‌ی عملیاتی، برای کارکنان و احدهای‌های انتظامی به منظور کاهش گرایش آنان را به تخلف از جمله کارهایی است که می‌تواند در مقابله با قاچاق در مناطق حاشیه‌ای مفید باشد.

این روست که تقابل و تعارض میان این دو دیدگاه و بازتاب رفتاری آن تقابل و رویارویی دو جبهه را به دنبال داشته و امنیت‌فیزیکی و روانی جامعه را خدشه‌دار سازد. قاچاقچیان و عاملین تولید و عرضه کالای قاچاق که بیش‌تر ریشه در محلات حاشیه‌نشین دارند، وقتی دولت و نظام سیاسی را در مقابله و رویارویی خود برای دفاع از حقوق آحاد جامعه احساس می‌کنند، به پنهان‌کاری و انجام فعالیت در خفا مبادرت می‌ورزند. به نظر نمی‌رسد راهکاری از ایجاد اشتغالات رسمی و فراهم‌ساختن امکانات بهره‌مندی جامعه فقیر، کم‌تخصص و بی‌سرمایه حاشیه‌نشین از شغل و درآمد رسمی، مطلوب‌تر باشد.

هر چند معضلات اقتصادی در



بخش‌های مختلف کشور پدیدار است و منحصر به نواحی حاشیه‌ای نیست، اما حساسیتی که این مناطق به لحاظ ارتباط با کشور دارند، ایجاب می‌کند که برنامه‌ریزان و طراحان سیاست‌های اقتصادی به جای آن که نگاه سودآور و بعضاً امنیتی به سرمایه‌گذاری در این مناطق داشته باشند، با هدف امنیت پایدار و باثبات به توسعه‌ی این مناطق پرداخته و حتی در برخی موارد سودآوری اقتصادی را با بلند نظری بیش‌تر مورد ملاحظه قرار دهند.

فقر و بی‌کاری نه تنها موجد فعالیت قاچاق در مناطق حاشیه‌ای است بلکه علت روی‌آوری و اصرار جامعه حاشیه‌نشین به مصرف کالای قاچاق نیز می‌باشد. ویژگی مهم کالای قاچاق آن است که به دلیل عدم پرداخت مالیات و عوارض قانونی، قیمتی پایین‌تر از کالای مشابهی دارد که از مسیر قانونی عرضه گردیده است. این کالاها اصولاً به دور از کنترل دستگاه‌ها و عوامل مسئول کنترل کیفیت و استاندارد قرار

زندگی را پدیدار می‌سازند. هرگونه اقدام در این زمینه باید ریشه‌ها و عوامل زاینده حاشیه‌نشین را نشانه روند تا این که این گونه محلات از چهره شهری رخ بریندند که در آن صورت فعل قاچاق و آثار متعاقب آن نیز که یکی از مهم‌ترین آن‌ها عدم امنیت جسمی، روحی و روانی، اقتصادی و بالاخره عدم امنیت سیاسی است نیز در پی آن زایل خواهد گردید. بدیهی است که امنیت پایدار در جامعه و به خصوص در جامعه شهری هنگامی حاصل خواهد شد که سطح قابل‌قبولی از زندگی برای همه مردم فراهم بوده و توزیع ثروت نیز به صورت نسبتاً متوازن و عادلانه درآید. تا وقتی فقر وجود داشته باشد، حاشیه‌نشین نیز با تمامی خصلت‌های خود که یکی از آن‌ها اشتغالات غیر قانونی، غیررسمی و بخصوص قاچاق است وجود خواهد داشت و وقتی قاچاق کالا باشد عدم امنیت نیز برطرف نخواهد گردید. نیل به این هدف بزرگ یعنی ریشه‌کنی فقر و توزیع متوازن ثروت نیازمند برنامه‌ریزی‌های چند ده‌ساله و عزم بلند و همت والای مردم و مسئولین در این مسیر است. اما تا آن زمان که راهی دراز در پیش داریم، می‌توان تدابیری به شرح زیر برای جلوگیری از عواقب امنیتی رواج قاچاق کالا در این مناطق و ارتقاء ضریب امنیت مناطق حاشیه‌نشین اندیشید:

نگاه واقع‌بینانه به مشکلات مناطق حاشیه‌ای کشور، نشان می‌دهد که شرایط اقتصادی این مناطق به دلایل مختلف نابه‌سامان است و همان‌طور که گفته شد فقر از ویژگی‌های بارز آن است. فقر خود موجد ناامنی است. اغلب سرقت‌ها، قتل‌ها، دزدی‌ها، آدم‌ربایی‌ها، خودفروشی‌ها، و از این قبیل جرایم که خود مصداق بارز ناامنی هستند، ریشه در فقر دارند. قاچاق فروشی و دست‌زدن به فعالیت‌های اقتصادی خلاف، نمود ظاهراً مثبت فقر هستند اما موشکافی دقیق آن چه در آن روی این فعالیت‌ها نیز نهفته است، دست‌کمی از جرایم پیش‌گفته ندارد. قاچاق فعالیتی است خلاف قانون و طبیعی است که واضعین و مجریان قانون و دستگاه‌های مسئول در این زمینه با آن درافتند و به مقابله با آن بپردازند. از سوی دیگر در نظر انجام دهندگان تولید و عرضه غیرقانونی کالا، این فعالیتی است در جهت کسب درآمد و گذران زندگی. از